

## حوادث ۱۹ خرداد

#### کوتاه از حوادث

**۱۹** تصادف زنجیره‌ای میان ۴ دستگاه خودرو در کمربندی شمالی اراک به‌خیرگذشت . ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح دیروز به علت یخ‌زدگی بخشی از کمربندی شمالی اراک و نبود توانایی در کنترل وسیله نقلیه از سوی رانندگان ، تعداد ۴ دستگاه خودرو با هم تصادف کردند و این کمربندی شمالی اراک به مدت یک ساعت مسدود شد. این حادثه به‌خیر گذشت و کشته و مصدومی نداشت.

**۱۹** مردی که پنج عضو خانواده توپسرکانی را کشته بود بعداز دستگیری اعتراف کرد که چون با صاحب دامداری اختلاف داشته این جنایت رارقم زده است. بیست و ششم آذر امسال و به دنبال کشف جسد دو عضو یک خانواده- پدرو دختر- در حوالی یک گاوداری در شهرستان توپسرکان ونابدیدشدن سه عضو دیگرخانواده، تلاش‌ها برای روشن کردن ابعاد حادثه وپیداکردن آنها آغاز شد که با کشف سه جسد دیگر، اجساد کشف شده از اعضای خانواده به پنج نفررسید. همزمان با این جنایت دو کارگر دامداری متواری شده بودند که تحت تعقیب قرارگرفتندکه یکی از آنها جمعه‌شب در یکی ازراستان‌های دیگر شناسایی و بازداشت شد.قاتل صاحب گاوداری واعضای خانواده وی در شهرستان توپسرکان دراعترافاتش، انگیزه خود را ازاین جنایت‌ها اختلاف حساب باصاحب آنجا عنوان کرد. متهم به قتل پس از ارتکاب جنایت‌ها اقدام به سرقت یک کیلو زعفران و پنج دستگاه گوشی تلفن همراه متعلق به مقتولان کرده بود. تحقیقات برای دستگیری همدست فراری او ادامه دارد.

**۱۹** تصادف در پارس‌آباد مغان پنج‌کشته و دو مصدوم برجای گذاشت. زوجی همراه دو فرزندشان سوار خودروی پژو پارس در جاده پارس‌آباد به اصلاندوز در حرکت بودند که با خودروی سواری پژو پارس دیگری تصادف کردند. در این حادثه چهارعضو خانواده و یک نفر از سرنشینان خودروی مقابل فوت شدند. دو سرنشین همین خودرو هم که مصدوم شده بودند در بیمارستان بستری شدند.

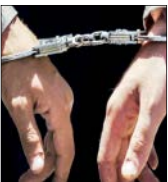
**۱۹** سه عضو یک خانواده بر اثر گازرفتگی در بخش شال فوت شدند. وقوع این گازرفتگی به پلیس گزارش شد و ماموران برای بررسی موضوع به خانه در بخش شال اعزام شدند. در تحقیقات اولیه ماموران معلوم شد که این سه عضو خانواده به علت مسمومیت بر اثر گاز مونوکسیدکربن فوت‌شده‌اند.

**۱۹** سارق آشناوقتی فهمیدمالباخته متوجه سرقت شده، اموال دزدی را پس داد. تهران با حضور درپایگاه ششم پلیس آگاهی مردان شکایت کرد که اموال خانه‌شان سرقت شده و در تحقیقات گفت؛ همراه والدینم در ساختمان پنج واحدی در جنوب تهران سکونت داریم. ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه یازدهم آذر امسال، مادرم وقتی سراغ گاوصندوق خانه رفت ، پی برد اموال موجود در آن ازجمله طلا ، پول و ساعت مچی که مجموع یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان ارزش مالی داشتند،سرقت شده است. در تحقیقات معلوم شد، قفل گاوصندوق به‌راحتی باز شده و احتمال این‌که سارق آشنا باشد وجود دارد. بنابراین ماموران از اهالی ساختمان تحقیق کردندکه آنها منکر سرقت شدند. این درحالی بود که شاکي چند روز پیش به اداره پلیس آمدوا اعلام کرده‌که سارق، اموال سرفتی را زیرزمین خانه پنهان کرده و اموال را پس داده و حالا می‌خواهد از شکایتش صرف‌نظر کند.

**۱۹** ته ستون تاریخی در یکی از باغ‌های روستای حصار شهرستان مرودشت پیدا شد.



سرهنگ محمدرضا بهمنی نژاد، فرمانده یگان حفاظت میراث‌فرهنگی استان فارس دراین باره گفت: براساس گزارش یگان حفاظت مرودشت، درپی دریافت خبری مبنی برکشف یک قطعه سنگ تاریخی در یکی از باغ‌های شخصی روستای حصار، ماموران این یگان برای بررسی صحت وسقم موضوع به محل اعزام شدند. در بررسی‌های یگان حفاظت میراث‌فرهنگی مرودشت، یک ته‌ستون تاریخی دو طبقه که پایه و ساقه ستون در آن به هم متصل بود در باغ مورد‌نظر کشف شده است. ابعاد این ته‌ستون ۵۰×۵۰ و ارتفاع آن ۴۰سانتی‌متر بود که مالک باغ آن را به یگان حفاظت تحویل داده است و در ادامه ته‌ستون تاریخی به پایگاه جهانی تخت جمشید انتقال داده شد تا سر جایش قرار گیرد.



از شکایت شاکي ، تحقیقات پلیس تهران در این باره آغاز و دو نفر از متهمان دستگیر شدند. تحقیقات برای دستگیری متهم سوم ادامه دارد.وی از شهروندان خواست، هنگام معامله خانه و زمین تا از اصالت مدارک هویتی و مالکیت فروشنده مطمئن نشده‌اند، از تنظیم هرگونه قرارداد و پرداخت وجه خودداری کنند.

سوی دو زن و یک مرد تحقیقات را آغاز کردند. در جریان تحقیقات معلوم شد متهمان با سندسازی خانه ویلایی را ابتدا تصرف و سپس با درج آگهی، آن را به فردی ۶۰ میلیارد تومان فروخته وبیعانه ۲۰ میلیاردتومانی گرفته بودند. زمانی که شاکي قصد داشته بخش دیگری از پول را بدهد متوجه جعلی بودن مدارک فروشندگان شده است، پس

#### فروش خانه ۶۰میلیاردی با جعل سند

دو عضو یک باند کلاهبرداران که با جعل سند، خانه‌ای ویلایی را در شهرک گلستان ۶۰میلیارد تومان فروخته بودند، بازداشت شدند. به گزارش جام جم، سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری تهران با اعلام این خبر افزود، ماموران کلانتری شهرک گلستان با دریافت پرونده‌ای مبنی بر کلاهبرداری و جعل سند خانه ویلایی از

پایتخت معروف شده بود را در این پرونده به دست آوردند. او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بعد از چند روز بازداشت شد.

خفاش شیشه‌ای پایتخت که به سرقت‌های خشن و آزار و اذیت قربانیانش اقدام می‌کرد، در زندان رجایی‌شهر کرج اعدام و پرونده زندگی‌اش بسته شد. به‌گزارش خبرنگار جام جم، راز فعالیت‌های مجرمانه خفاش شیشه‌ای پایتخت از هفتم دی سال ۹۷ همزمان با شکایت خانواده‌هایی از مرد آزارگری، در اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران به جریان افتاد. تحقیقات نشان می‌داد مرد ۳۵ ساله‌ای که لباس‌های عجیب بر تن زاین و کلاه‌گیس و سبیل می‌گذاذد، وقتی باخبر می‌شد کودکان یا زنان در خانه تنها هستند به بهانه این‌که بدھکار است و طلب پدر خانواده راآورده، وارد خانه می‌شد. بعد هم باکتک‌زدن و بستن دست وپاهایشان با طناب، پول و طلاهای موجود در خانه‌ها را سرقت می‌کرد و قربانیان را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد. ماموران رد متهمی سابقه‌دار و شیشه‌ای به نام امیرکه بارها به اتهام جرایم مختلف به زندان افتاده و به خفاش شیشه‌ای

پایتخت معروف شده بود را در این پرونده به دست آوردند. او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بعد از چند روز بازداشت شد.

خفاش شیشه‌ای پایتخت که به سرقت‌های خشن و آزار و اذیت قربانیانش اقدام می‌کرد، در زندان رجایی‌شهر کرج اعدام و پرونده زندگی‌اش بسته شد. به‌گزارش خبرنگار جام جم، راز فعالیت‌های مجرمانه خفاش شیشه‌ای پایتخت از هفتم دی سال ۹۷ همزمان با شکایت خانواده‌هایی از مرد آزارگری، در اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران به جریان افتاد. تحقیقات نشان می‌داد مرد ۳۵ ساله‌ای که لباس‌های عجیب بر تن زاین و کلاه‌گیس و سبیل می‌گذاذد، وقتی باخبر می‌شد کودکان یا زنان در خانه تنها هستند به بهانه این‌که بدھکار است و طلب پدر خانواده راآورده، وارد خانه می‌شد. بعد هم باکتک‌زدن و بستن دست وپاهایشان با طناب، پول و طلاهای موجود در خانه‌ها را سرقت می‌کرد و قربانیان را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد.

زندگی مرد جوان با یک رگ باریک در مغزش گره‌خورده بود و با پاره‌شدن همین رگ کوچک او دچار مرگ مغزی شد و خانواده‌اش او را به آخرین آرویش یعنی اهدای عضو ساندند. به گزارش جام جم، مهدی ۴۶ ساله هیچ‌گونه نشانه و علائمی از بیماری نداشت اما ناگهان کارش به بیمارستان کشید. روز حادثه، همان روزی که در خاطره خانواده حاتمی به تلخ‌ترین روز زندگی‌شان تبدیل شد مهدی مثل روزهای قبل به میدان میوه‌وتره‌بار رفت تا بار میوه را برای شمال بزند و راهی شود، اما هنوز چند دقیقه‌ای از رسیدن به محل کارش نرسیده بود که ناگهان حالش بد شد. ابتدا همه فکر می‌کردند مهدی دچار مسمومیت شده که حالت تهوع و سردرد شدید دارد اما وقتی او بی‌حالی روی زمین افتاد همکاران مرد جوان از اورژانس درخواست کمک کردند. وقتی پزشک بیمارستان معاینات تکمیلی را انجام داد به برادر مهدی گفت؛ برادر شما از مدتی قبل دچار فشارخون بوده و همین موضوع باعث شده یکی از رگ‌های مغزش دچار پارگی شود.

این ماجرا برای خانواده حاتمی تازه اول ماجرا بود. برادر مهدی می‌گوید، به خاطر کرونا بخش آی‌سی‌یوی اکثر بیمارستان‌ها پر بود و هیچ بیماری را پذیرش نمی‌کردند. دربه‌در دنبال پیدا کردن یک بیمارستان مجهز به بخش آی‌سی‌یو بودیم اما فایده‌ای نداشت. خیلی دوندگی کردیم تا این‌که سرانجام به یک بیمارستان خصوصی رسیدیم. چند میلیون تومان پول از ما درخواست کردند، فراهم کردن این مبلغ برایمان مقدور نبود با این حال برای سلامت برادرم حاضر بودم هرکاری انجام بدهم. قصد بستری کردن او را داشتیم که از بیمارستان سینا تهران اعلام شد یک تخت خالی در بخش آی‌سی‌یو مهیا شده که سریع برادرم را به آنجا منتقل کردیم.

با اعلام مرگ مغزی بیمار توسط پزشکان، حالا خانواده او باید تصمیم می‌گرفتند که با اهدای اعضای بدن او جان چند بیمار را از مرگ حتمی نجات دهند. برادر مهدی دراین باره گفت؛ وقتی در جریان ماجرای اهدای عضو قرار گرفتیم به خاطر آوردیم بارها برادرم گفته بود آرویش این است اگر روزی دچار مرگ مغزی شد حتما اهدای عضو کنیم. حتی خود من هم چند سال پیش از طریق اینترنت فرد اهدای عضو را پرکرده بودم. از نظر من و برادرهای دیگرم اهدای عضو مشکلی نداشت اما ابتدا وقتی ماجرا را با پدرم در میان گذاشتم او مخالفت کرد ولی وقتی با او صحبت کردم رضایتش را اعلام کرد.

دکتر سناژ دهقانی، رئیس واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی بیمارستان سینا دراین باره گفت؛ با رضایت اولیای دم بیمار مرگ مغزی به اتاق عمل منتقل شد و با تلاش پزشکان متخصص کلیه‌ها و کبد او به سه بیمار نیازمند اهدا شد.

## مرگ خفاش شیشه‌ای

کودکان را آغاز کردم. وقتی وارد خانه می‌شدم، در کمتر از ۱۵ دقیقه جرایم سیاه و سرقت را مرتکب شده‌واز محل فرار می‌کردم. برای این‌که قربانیان سر و صدا نکنند، دست و پا و دهان‌شان را می‌بستم. در زمان آزار و اذیت قربانیان، از التماس و گریه‌های آنها لذت می‌بردم.

#### مجازات مرگ

باتوجه به جرایمی که این متهم مرتکب شده بود پرونده‌اش از مصدیق افساد فی‌الارض شناخته شد و مدتی بعد او در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب محاکمه و به اعدام محکوم شد. در ادامه حکم مجازات این متهم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد. بنابراین شمارش معکوس برای اجرای حکم اعدام این مجرم خطرناک آغاز شد و با گذشت دو سال از دستگیری وی، خفاش شیشه‌ای پایتخت در محوطه زندان رجایی‌شهر کرج پای چوبه‌دار رفت و به دار مجازات او یخته شد.

#### از التماس قربانیان لذت می‌بردم

متهم نیز در جریان تحقیقات گفت؛ وقتی از زندان آزاد شدم، به کمپ رفتم اما نتوانستم اعتیاد به شیشه را ترك کنم. بعد از بیرون آمدن از کمپ سرقت و آزار و اذیت

#### با نقض حکم قصاص در دیوان عالی کشور

### متهم به قتل وحید مرادی برای سومین بار محاکمه می‌شود



صادر شده در دادسرا اتهام مباشرت در قتل در پرونده او رقم‌خورد. سعیدکه قبل از این به اتهام شرکت در نزاع منجر به قتل، متهم به قتل یکی از دوستانش بود و به همین دلیل در زندان به سر می‌برد، در اولین دفاعیاتش گفت؛ درگیری ما با وحید از زمان هواخوری در زندان آغاز شد. او می‌گفت من عقاب اینجا هستم و شما کوجه‌کلاغ‌ها باید تحت فرمان من باشید. روز حادثه بعد از اولین درگیری، او و چند نفر از دوستانش با قمه و آب‌جوش و روغن داغ به ما حمله کردند. اما من ضربه‌ای به او نزدم. در حالی که بقیه متهمان پرونده هم منکر ایراد ضربات عمدی به وحید بودند، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

سعید در جلسه رسیدگی به پرونده منکر قتل شد اما قضات او را مجرم شناخته و به قصاص محکوم کردند. دیگر متهمان هم حکم حبس گرفتند. این رای در دیوان عالی کشور نقض شد و سعید در دور دوم محاکمه هم منکر قتل وحید شد. این دفاعیات هم با حکم قصاص قضات دادگاه کیفری استان تهران روبه‌رو شد.

با اعتراض سعید به حکم مجازاتش، پرونده برای رسیدگی به دیوان عالی کشور ارسال شد که قضات دیوان عالی کشور برای دومین بار حکم را نقض کردند. دیوان عالی کشور در رای خود اعلام کرده، حکم دادگاه بر اساس علم قاضی صادر شده در حالی‌که فیلم صحنه درگیری باید بازبینی و مشخص شود چه کسی آن ضربه را زده است، همچنین در رای به این فیلم اشاره شود.

به این ترتیب ، سعید برای سومین بار در دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه قرار می‌گیرد.

### مجازات قصاص، پایان جنایت مستانه

حکم قصاص پسر جوان که در جنایت مستانه دوستش را کشته بود، در دیوان عالی کشور تایید شد. به گزارش خبرنگار جام جم، ماجرای این درگیری خونین سال ۹۴ در جنوب تهران به پلیس گزارش شد. پسر جوان به ماموران گفت؛ دوستم با چاقو به من حمله کرد و من هم در دفاع از خودم او را زدم. ماموران با حضور در محل، مرد مجروح را برای درمان به بیمارستان بردند که او بر اثر شدت جراحات جان‌باخت. با مرگ پسر جوان، کامران به اتهام قتل بازداشت شد و در تحقیقات گفت؛ من و ساسان به خاطر اختلافی که با هم داشتیم، درگیر شدیم. او با چاقو به سمت من حمله کرد و من هم در دفاع از خودم او را زدم. ابتدا او با چاقو من را زد.

با تکمیل تحقیقات پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد که در جلسه رسیدگی به پرونده در شعبه دهم دادگاه، اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه ایستاد و در دفاع از



متهم به قتل وحید گنده لات تهران ، با نقض حکم قصاصش در دیوان عالی کشور برای سومین بار محاکمه می‌شود. تاکنون دو بار حکم قصاص او از سوی دیوان عالی کشور رد شده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل تیرماه سال ۹۷، قتل وحید در نزاع دسته جمعی در زندان رجایی‌شهر خیرساز شد. وحید قبل از این بیش از ۱۶ بار پایش به زندان باز شده بود و آخرین بار اربدهشت ۹۷ به اتهام قتل دوست صمیمی‌اش به زندان افتاده بود. او چند روز قبل از قتل دوستش از زندان آزاد شده بود و روز حادثه قرار بود آزادی‌اش را در خانه مقول در یک برج در ولنجک جشن بگیرند. اما با هم دعوایشان شد و در آن درگیری دست وحید به خون آلوده شد و چند روز بعد در حالی که قصد فرار از مرزا را داشت دستگیر شد و به زندان افتاد.

وحید درباره قتل گفته بود؛ بعد از آزادی در خانه دوستم جشن گرفتیم. در آنجا او در لایو اینستاگرام به من توهین کرد که با هم درگیر شدیم. او و چند نفر دیگر با شیشه‌های مشروب به من حمله کردند و من با چاقویی که در دست داشتم از خودم دفاع کردم. متهم با قرار بازداشت به زندان رجایی‌شهر منتقل شد. دو ماه بعد از رسیدگی به این پرونده، قتل وحید در نزاع دسته‌جمعی در زندان رجایی‌شهر کرج در دستور کار قضایی قرار گرفت. بعد از بررسی‌ها و تحقیقات انجام شده، با توجه به فیلمی که زندانیان بعد از قتل وحید منتشر کرده بودند، ۱۷ زندانی متهم به شرکت در نزاع منجر به قتل شدند. در این میان فردی به نام سعید باتوجه به اظهارات شهود و استناد به فیلم ضبط شده، متهم اصلی پرونده شناخته شد و در کیفرخواست

### معمای مرگ آتشین زن جوان

شد. دوزخ بعدم برادر زتم سکنه کرد و فوت شد. این دو حادثه باعث شد عصبانی و زودرنج شود. خانه مادرم نزدیک‌مان بود و نمی‌گذاشت زیاد آزار بجوم. احساس می‌کرد خانواده‌ام نسخه از مال گرفته‌اند تا من از او فاصله بگیرم.

متهم ادامه داد؛ نمی‌گذاشت از تلفن همراهم، اینترنت و فضای مجازی استفاده کنم. آن شب ساعت هفت در خانه دعوا کردم و بعد به خانه مادرم رفتم. نیم ساعت بعد برگشتم. رنگ زدم اما در را باز نکرد. با کلید وارد خانه شدم. بطری تینر صاحبخانه و فندک دستش بود. فریاد زد، تو و خودم را می‌کشم. مقابل چشم‌انم موهای جلوی سرش را با قیچی کوتاه کرد. ترسیدم و به راه‌پله رفتم. روی من و خودش تینر پاشید و فندک زد و آتش گرفت. با پتو آتش را خاموش کردم. او را به حمام بردم و بدنش را شستم. با خواهرش و شوهری حرف زدم و موضوع را اطلاع دادم. زتم را با جناقم حرف زد و گفت خودش را سوزانده، بعد از آن‌ها زتم را به بیمارستان بردیم که بعد از یک هفته فوت شد.

این در حالی است که خانواده زن جوان از دامادشان به اتهام قتل عمدی شکایت کردند.

بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت؛ متهم به اتهام مباشرت در قتل عمدی در بازداشت موقت به سر می‌برد و تحقیقات از او در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.



مرد جوان که متهم است همسرش را با تینر به آتش کشیده در جلسه بازپرسی منکر قتل شد. به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۲ ظهر یکشنبه ۳۰ آذر امسال یکی از ماموران کلانتری یافت‌آباد در تماس با بازپرس جنایی تهران از مرگ مشکوک زنی ۴۱ ساله در بیمارستان شهدای یافت‌آباد خبر داد. با دستور قضایی مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات را آغاز کردند که معلوم شد او در خانه سوخته و بعد از یک هفته بستری بودن در بیمارستان فوت کرده است. این زن بعد از انتقال به بیمارستان گفته بود شوهرش با ریختن تینر بر رویش او را سوزانده است. بنابراین با مرگ این زن، شوهر ۲۹ ساله وی به‌عنوان تنها مظنون بازداشت و دیروز برای تحقیقات به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و به بازپرس ساسان غلامی گفت؛ سال ۹۱ نمایشگاه خودرو در اسلامشهر داشتم، یک روز هنگام عبور دو دختر در آنجا، دلباخته یکی از آنها شدم. شماره تلفنم را به او دادم. بعد از یک هفته وقتی فهمید قصد ازدواج است، قبول کرد بیشتر باهم آشنا شویم. او پیش ازاین عقد کرده و به خاطر اختلاف‌هایی که با شوهرش داشت از او جداشده بود. به خواستگاری‌اش رفتم و سرانجام ازدواج کردم. بعد از ازدواج شغلم را عوض کرده و به‌عنوان آشپز در بیمارستان مشغول به کار شدم. اختلافی نداشتم تا این‌که فروردین امسال زتم باردار شد اما به خاطر این‌که فرزندانم زودتر به دنیا آمد، فوت،